

بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان)

لیلا یزدان‌پناه^۱، فاطمه حکمت^۲

(تاریخ دریافت ۹۱/۸/۲۴، تاریخ پذیرش ۹۲/۱۱/۳۰)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌پردازد که نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. جهت سنجش عوامل مؤثر بر آن از نظریه‌های مختلف مثل نظریه‌های نوع‌دوستی متقابل، اعتماد و مشارکت، یادگیری اجتماعی باندورا و نظریه نقش اجتماعی استفاده شده است. روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده است. این پژوهش درمیان ۴۰۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهیدباهنر کرمان صورت گرفته که با روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس عزت نفس، شیوه فرزندپروری منسجم، صمیمی و پاسخگو، مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی، اعتماد اجتماعی بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی و جنسیت و پایگاه اقتصادی اجتماعی متغیرهای تأثیرگذار بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند.

۱. عضو هیئت‌علمی بخش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، کرمان، ایران. lyazdanpanah@uk.ac.ir
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، بخش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احساس عزت نفس، شیوه‌های فرزندپروری، سرمایه اجتماعی، جوانان.

مقدمه و بیان مسئله

از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است و از لحظه تولد تا آخر عمر در اجتماع به سر می‌برد و پیوسته با انسان‌های دیگر در تعامل است، همواره باید یاد بگیرد چگونه در جمع زندگی و نیازهای خود را ارضا کند. برای این کار آموختن مهارت‌های اجتماعی لازم است. فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری این مهارت‌ها را فرامی‌گیرد و یادگیری درست آنها می‌تواند به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شود.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (سبحان‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۸). به نظر کنراد و هایدن^۱ (۱۹۸۱: ۷) در مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد گرایش مسئولانه دارد، برای فعالیت به صورت مسئولانه احساس شایستگی می‌کند، درباره فعالیت مسئولیت‌پذیرانه خود را اثرگذار احساس می‌کند و اعمال مسئولانه انجام می‌دهد.

رفتار مسئولانه از شاخص‌های انسان سالم در هر جامعه، از جمله جامعه ایران با نسبت جمعیتی جوان، تلقی می‌شود و تقویت و رشد آن جز با شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری با تأکید بر نقش خانواده، به‌خصوص شیوه فرزندپروری و ویژگی‌های اجتماعی نظیر میزان مشارکت و میزان اعتماد است. مسئولیت‌پذیری فرآیندی است که فرد باید از اولین سال‌های کودکی بیاموزد تا با وظایف پرشماری که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود مسئولانه برخورد کند. مسئولیت حاصل سه ویژگی تشخیص، تصمیم و خلاقیت است. بنابراین اشخاص مسئولیت‌پذیر باوجدان، مطمئن، جدی و احتمالاً مقرراتی هستند. پس بررسی عوامل مؤثر بر میزان مسئولیت‌پذیری ضرورت بسیار دارد و اهمیت مسئله حاضر را نمایان می‌کند.

1. Conrad & Hedin

پیشینه پژوهش

خدری (۱۳۸۰)، رنجبریان و همکاران (۱۳۸۴) و اکبری‌نژاد و کردلو (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان داده‌اند که اگر دانش‌آموزان هوش و عزت نفس زیاد و وضعیت اقتصادی خوبی داشته باشند با جدیت و تعهد بیشتری به انجام مطلوب وظایف اقدام می‌کنند (به نقل از مهدوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

ایمان و جلائیان (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی مستقیم تحت تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، عزت نفس، سن و جنسیت قرار دارد.

فینک^۱ و دیگران (۱۹۷۵) در تحقیقی با عنوان «اثر اشتغال خانواده، جنس و سبک درخواست در رفتار کمکی» ادعا کردند که رفتار کمکی یا به‌منزله تبادلی برای پاداش‌های آینده (نظریه قاعده انصاف) تفسیر می‌شود یا پاسخ به موقعیت وابستگی (هنجار مسئولیت‌پذیری اجتماعی) به نظر می‌آید.

از نظر برکویتز و همکارانش، وقتی کسی در این گروه معیار اخلاقی کمک به دیگران را یاد می‌گیرد، می‌پذیرد که برای کمک به اشخاص احساس التزام کند؛ حتی وقتی بازگشت مستقیم هیچ منفعتی را پیش‌بینی نکند (برکویتز و دانیلز،^۲ ۱۹۶۳، ۱۹۶۴؛ گورانسون^۳ و برکویتز، ۱۹۶۶؛ برکویتز و کونور،^۴ ۱۹۶۶).

کرولی و ایگلی^۵ (۱۹۸۶: ۲۸۳) در تحقیقی با عنوان «جنسیت و رفتار کمکی» به بررسی نقش‌های اجتماعی جنسیتی و رابطه آنها با رفتار کمکی پرداختند. به نظر آنها، براساس نظریه‌های نقش اجتماعی جنسیتی و کمک‌دهی، نقش جنس مرد کمکی را پرورش می‌دهد که قهرمانانه و دلیرانه است، درحالی‌که نقش جنسی زن کمکی را می‌پروراند که به تربیت و مراقبت مربوط است.

پژوهش راندولف و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی تحت تأثیر جنسیت افراد قرار می‌گیرد. مسئولیت‌پذیری مردان اندکی کمتر از زنان است و درباب ویژگی‌های

1. Fink
2. Daniels
3. Goranson
4. Connor
5. Crowely & Eagly

جسمانی مؤثر بر مسئولیت‌پذیری در تحقیق چیبات (۱۹۸۶) یافته‌ها حاکی از وجود رابطه بین سن افراد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است (به نقل از ایمان و جلائیان، ۱۳۸۹: ۴۰). نتایج پژوهش «مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهانی»^۱ توسعه یک مقیاس برای دانش‌آموزان مدارس متوسطه در ژاپن» نشان داد «نوع‌دوستی جهانی»، «درگیری فعال با جامعه» و «درک از وابستگی متقابل» مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهانی را می‌سازند (ناکامورا و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۱۳). مالیکی و همکاران (۲۰۱۰: ۲۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی در ایالت بایلسا در نیجریه پرداخته‌اند. نتیجه نشان داد ابعاد گوناگون مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی مرتبط است. شوايت^۲ و همکاران (۲۰۰۵) نیز در تحقیقی با عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بشردوستی» اعلام کردند ارزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان پروتستان‌ها، مشارکت‌کنندگان در فعالیتهای کلیسا (با فراوانی بالاتر)، افراد متأهل، و افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر است.

پژوهش اموتو و ساندرز (۱۹۸۵) نشان می‌دهد گرایش‌های توأم با هم‌دلی با معیار مسئولیت اجتماعی ارتباط مثبت دارد. احساس مسئولیت پیش‌زمینه مهمی برای رفتارهای اجتماعی مطلوب است (واینر، ۲۰۰۱، ۱۹۸۰؛ به نقل از کجیاف و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۵). به نظر بیرهوف (۱۳۸۴)، میزان نیاز معیارهای مسئولیت اجتماعی را تعیین و حس تعهد اخلاقی را تقویت و تشدید می‌کند و این احساس هم‌انگیزه رفتارهای اجتماعی مطلوب را تولید می‌کند. این نظر با نتایج پژوهش‌های باتسون و همکاران (۱۹۸۶)، کارلو و همکاران (۱۹۹۱: a)، شرودر و همکاران (۱۹۹۵)، و شوارتز و هووارد (۱۹۸۴) هم‌خوان است (همان). روبرت کولز^۳ (۱۹۹۶) در تحقیق خود می‌گوید نوجوانان مسئولیت را از والدین، مدرسه و محیط اجتماعی محل زندگی خود فرامی‌گیرند. مک‌کلور^۴ و همکاران (۲۰۱۰: ۲۳۸) مدعی‌اند عزت نفس انعکاس کلی خودارزشمندی فرد است که باورهای او درباره خود فرد و نیز پاسخ احساسی به آن باورها را دربرمی‌گیرد. از نظر او عزت نفس تعیین‌کننده مهم بهداشت و رشد ذهنی جوانان است.

1. Global
2. Schuyt
3. Robert Coles
4. McClure

مبانی نظری پژوهش

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از دیدگاه‌های گوناگون، از جمله روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، به شرح زیر درخور بررسی است:

نظریه نوع‌دوستی متقابل: در روان‌شناسی اجتماعی این نظریه توضیح می‌دهد که چرا مردم به افرادی کمک می‌کنند که لزوماً آنها را نمی‌شناسند. نوع‌دوستی و بشردوستی تعهد طولانی‌مدت به رفاه دیگران و جامعه به طور کلی تعریف شده است (شوايت و همکاران، ۲۰۰۵: ۱). لئونارد برکویتز معتقد است هیچ‌کس به کمک دیگری نمی‌شتابد، مگر اینکه ۱. ببیند یا بفهمد فردی نیازمند کمک است ۲. موقعیت را برحسب نیاز به امداد فرد مصدوم تفسیر کند ۳. و با تأکید بر نیاز مصدوم ۴. معتقد است برحسب مسئولیتش ۵. می‌تواند به او یاری رساند و ۶. مصدوم را به جایی ببرد که کمک بیشتری به او برسانند (برکویتز، ۱۳۸۳: ۴۷۲).

دو نوع هنجار وجود دارد که به ایجاد روحیه امداد‌رسانی منجر می‌شود: الف) هنجار تعامل: در برخی حوادث مردم به دلیل پیش‌بینی بازگشت منصفانه امداد و کمک به خودشان در آتیه به یاری دیگران می‌شتابند. آنها گمان می‌کنند که کمک‌کردن ممکن است سود مادی در پی نداشته باشد، اما می‌تواند به تأیید گروهی یا دریافت پاداش اجتماعی منجر شود (همان: ۴۸۴-۴۸۵). ب) هنجار مسئولیت اجتماعی: بیشتر اوقات انسان‌ها نه به دلیل احتساب سود بازگشتی، که بر مبنای وجود هنجارهای مسئولیت‌بخش اجتماعی، به دیگران کمک می‌کنند. در برخی تحقیقات وقتی از سوژه‌ها پرسیده شد که چرا به یاری مصدومان شتافته‌اند، آنها گفتند فقط کاری را انجام داده‌اند که درست تشخیص داده‌اند. بیشتر آنها معتقدند کمکشان را هنجارهای اجتماعی تأیید می‌کند. در واقع سوژه‌های مزبور از هنجارهای اجتماعی مشوق امدادگری به مستمندان آگاه بودند (همان: ۴۸۶).

برکویتز (۱۹۶۸: ۴۷-۴۸) این نوع رفتار را که مطابق ایده‌آل‌های اجتماعی نیست و نسبتاً از طریق پاداش‌های پیش‌بینی‌پذیر تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد رفتار "مسئولیت‌پذیری" نامیدند. در برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی کمک‌رسانی و رفتار نوع‌دوستانه ارزشی نمادین تلقی می‌شود و از آنجا که نوع‌دوستی منبعی برای اتکای مردم در جامعه به شمار می‌رود، بالنفسه ارزشی اجتماعی است (ذکائی، ۱۹۹۹: ۱۸-۲۰ به نقل از شکوری، ۱۳۸۴: ۶). این تفسیرها رفتارهای نیک‌خواهانه را با مفهوم شهروندی^۱ و سرمایه اجتماعی^۲ مرتبط می‌کند. براساس

1. Citizenship
2. Social capital

نظریه شهروندی، رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتر مبتنی بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر می‌گیرند، بلکه از عضویت در اجتماع وسیع‌تر آگاه‌اند. جامعه نوین مرکز تعامل روابط ارگانیکی به مفهوم دورکیمی است. درعین حال نوع‌دوستی شهروندان را به داشتن روابط با دیگر اعضا سوق می‌دهد و رفتار دگردوستانه شخصیت افراد را از حالت بسته خارج می‌کند و آنها را به منزله اعضای انتزاعی جامعه تغییر می‌دهد که فراتر از وابستگی نزدیک است (شکوری، ۱۳۸۴: ۳۶۳-۳۶۴).

نظریه یادگیری اجتماعی باندورا: نظریه یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری از طریق الگو، که برخی روان‌شناسان از جمله باندورا بر آن تأکید کرده‌اند، مبتنی بر این است که افراد چه بخواهند و چه نخواهند تحت تأثیر الگوهای مختلف قرار خواهند گرفت (سبحانی‌جو، ۱۳۸۴: ۹). بنابراین بهترین شیوه آموزش مسئولیت‌پذیری به افراد آن است که تا جایی که امکان دارد دیگران مهم از زمان طفولیت در کنار کودکان باشند، در بیان و رفتار به آنها نشان دهند که برای دیگران ارزش قائل‌اند، یا از ناراحتی دیگران رنج می‌برند، و بر رفتارها و نفس خود کنترل دارند. هرگاه آنها سرمشق خوبی از مسئولیت‌پذیری در نهادهای اجتماعی مانند خانواده یا مدرسه ارائه دهند و جوانان را به همکاری و مشارکت در تصمیم‌ها تشویق کنند و از انتقاد و بی‌احترامی بپرهیزند، زمینه مناسبی برای پرورش احساس مسئولیت فراهم می‌آید.

پس خانواده به‌مثابه میانجی در اجتماعی‌شدن طفل و هم‌نوایی عمیق او با هنجارهای اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. نخستین مرحله جامعه‌پذیری در خانواده به دو شکل مستقیم (آگاهانه) و غیرمستقیم (ناآگاهانه) صورت می‌گیرد. گونه نخست، از طریق آموزش اتفاق می‌افتد. در این شیوه، والدین آگاهانه با امرونهی و آموزش، فرزندان خود را با ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌های اجتماعی و مذهبی و به طور کلی با فرهنگ آشنا می‌کنند و سپس با تشویق و تنبیه آنها به درونی‌ساختن این امور اقدام می‌کنند تا فرزندان هم‌نوا با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی و مذهبی رفتار کنند.

اما در شیوه دوم، براساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار آموختنی است و نحوه یادگیری رفتار نیز براساس قوانین یادگیری مشاهده‌ای استوار است. براین اساس، جامعه‌پذیری به صورت ناآگاهانه (غیرمستقیم)، با سرمشق قراردادن و اقتباس رفتار، کردار و گفتار والدین و دیگر اعضای خانواده (مانند خواهر یا برادر) صورت می‌گیرد و بدون آنکه خود والدین متوجه باشند، فرزندان رفتار، گفتار و نگرش‌های اجتماعی آنها را به‌مثابه شیوه‌های رفتار و نگرش مطلوب و مناسب یاد می‌گیرند و به‌تدریج درونی می‌کنند (شاکری‌نیا، ۱۳۷۶: ۵۹).

هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این نگرش‌ها، اعتقادات و رفتارهای والدین، که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه‌های فرزندپروری نمود پیدا می‌کند، عامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت و تثبیت ویژگی‌های اخلاقی فرزندان و هویت آنها قلمداد می‌شود (خواجه‌پور و عطار، ۱۳۸۱: ۲).

تحقیقات معاصر در باب شیوه‌های فرزندپروری از مطالعات باومریند دربارهٔ کودکان و خانواده‌های آنان نشئت گرفته است. در این مقاله چهار نوع شیوه و سبک فرزندپروری مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

الف) سبک رفتاری منسجم، صمیمی و پاسخگو: در این سبک رفتاری در باب مسائل مهم زندگی (مثلاً چگونگی تربیت فرزندان)، اختلاف نظری میان والدین وجود ندارد و والدین در تربیت فرزندان با هم هماهنگ‌اند و اعضای خانواده یار و یاور یکدیگرند. فرزندان هنگام برخورد با مشکل والدین خود را به‌منزلهٔ اولین مشاور ترجیح می‌دهند و مشورت میان اعضای خانواده ویژگی مهم این سبک رفتاری است. والدین دربارهٔ فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کنند و محیطی گرم و صمیمی برای پیشرفت و تکامل روحی و معنوی آنها فراهم می‌آورند. ارتباط بین فرزندان و والدین گرم و صمیمی و متقابل است. فرزندان این خانواده احساس شادی می‌کنند. والدین این‌گونه خانواده‌ها ابهتی دارند که احترام‌برانگیز است.

ب) سبک رفتاری سهل‌گیر و بی‌اعتنا: در این سبک رفتاری اعضای خانواده کاری به کار یکدیگر ندارند و اجازه می‌دهند هر کس هر چه دوست دارد انجام دهد. والدین در انتخاب دوست برای فرزندان دخالتی ندارند و انتظار هم ندارند که فرزندان با آنها مشورت کنند. فرزندان هر نوع لباسی که دوست داشته باشند می‌پوشند. در انتخاب کارها و مشکلات راهنمایی کمی از سوی والدین دریافت می‌کنند و در کل فرزندان دارای آزادی بی‌حد و حصری در تمام زمینه‌ها هستند.

ج) سبک رفتاری استبدادی: در این سبک رفتاری فرزندان و کوچک‌ترها وظیفه دارند بی‌چون و چرا به بزرگ‌ترها گوش دهند و مجری محض هستند. والدین قوانینی را طرح می‌کنند که توانایی فرزندان را مدنظر قرار نمی‌دهد و فرزندان باید این قوانین را بدون دانستن دلیل رعایت کنند. مشورت و گفت‌وگو و دیپلماسی در این خانواده‌ها جایی ندارد و حرف آخر همان حرف رئیس خانواده است. در این خانواده‌ها به فرزندان کم محبت می‌شود، تنبیه بدنی روش تربیتی به حساب می‌آید و فرزندان پیوسته در فشار هستند.

د) سبک رفتاری طردکننده: در این سبک رفتاری اعضای خانواده به راه‌های گوناگون فرزندان را از خود دور می‌کنند. والدین خوبی‌های فرزندان خود را نمی‌بینند و با تعریف از خوبی‌های دیگران به او سرکوفت می‌زنند. طوری با فرزندان رفتار می‌شود که آنها احساس کنند

سربرار خانواده‌اند. اعضای خانواده فرزندان را از مشورت کردن در امور مربوط به خانواده ناتوان می‌بینند و هنگام اظهارنظر درباب مسائل زندگی از فرزندان می‌خواهند که در کار بزرگ‌ترها دخالت نکنند (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۱).

نظریه نقش: در این نظریه افراد به ساختار اجتماعی بزرگ‌تری مرتبط‌اند و هر شخص درون تعدادی از نظام‌های پایگاهی موضعی را اشغال می‌کند. نقش مفهومی کلیدی است که فرد و ساختار اجتماعی را با یکدیگر مرتبط می‌کند. با گرفتن نقش و ایفای آن در شبکه اجتماعی هم رضایت فرد و هم رضایت دیگران حاصل می‌شود که این مهم در پرتو رفتار مسئولانه حاصل می‌شود (ایمان و جلاتیان، ۱۳۸۹: ۲۵).

نظریه نقش فرض می‌کند که انجام نقش تجویزهای اجتماعی، محاصره، تکذیب، تأخیر دیگران و تنوع نقش‌های انجام شده توسط افراد در شبکه‌ای بیان می‌شود که به واسطه این عوامل خلق می‌شود. از این رو، متن خانواده، گروه‌های غیررسمی، گروه‌های رسمی، گروه‌های مدرسه، سازمان‌ها، اجتماعات و جوامع تعیین‌کننده نقش افراد هستند (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۳۲۳-۳۲۴). در این زمینه، تحقیقات مدافع این دیدگاه است که زنان مهربان‌تر و دلسوزترند؛ پس بیشتر احتمال دارد خودشان را به طور کامل وقف دیگران کنند و در نتیجه احتمالاً بیشتر در رفتار کمکی درگیر می‌شوند. برخی تحقیقات هم حامی دیدگاهی هستند که معتقد است زنان تمایل دارند تا به طور برجسته‌تر در پیش‌زمینه‌های حمایتی فعال باشند، مانند پرستاری، پزشکی و معلمی و اینکه زنان مایل‌اند به طور غریزی از سن بسیار پایین حمایت‌کننده باشند. درحالی که مردان کمک‌کنندگان "قهرمانانه" تری هستند، برای مثال، آتش‌نشان و نظامی^۱. سرمایه اجتماعی: اگر بخواهیم در مقوله سرمایه اجتماعی تفحص بیشتری به عمل آوریم، می‌توانیم آن را مفهومی تعریف کنیم که از سه جزء ترکیب شده است:

۱. آگاهی یا دانش درباره مسائل اجتماعی (نوعی منش شناختاری)، آگاهی‌ای که موجب علاقه‌مندی و دل‌نگرانی است. ۲. اعتماد به امنیت خود و دیگر افراد (نوعی منش هنجاری که مستلزم مقابله به مثل و رفتارهای غیرخودخواهانه است). ۳. مشارکت در شبکه‌های رسمی و غیررسمی یا انجمن‌های مدنی که براساس فعالیت داوطلبانه افراد عمل می‌کنند.

1. <http://www.alishapoor.net>

می‌توان نوعی ارتباط مستقیم و منطقی میان این سه جزء فرض کرد. به این معنا که اولی شرط لازم اما نه کافی برای دومی است و همین‌طور دومی برای سومی (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۴۹-۲۵۰).

از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی همه عناصر سرمایه اجتماعی را دربردارد. مشارکت اجتماعی مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده، عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (هلی، ۲۰۰۱: ۲ به نقل از یزدان‌پناه، ۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی شامل دو بخش است: ۱. نهادی (رسمی) که دربرگیرنده مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) است و ۲. مشارکت غیررسمی (فردی) که شامل درگیری‌های اتفاقی و پایدار می‌شود (یزدان‌پناه، ۱۳۸۲: ۶).

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که افراد جامعه به شکل آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخصی، که به سهیم شدن در منابع قدرت می‌انجامد، انجام می‌دهند. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۵). مشارکت بیش از هر چیز دو هدف را دنبال می‌کند:

الف) درگیری ذهنی و عاطفی: انسانی که مشارکت می‌کند خوددرگیر است و نه کاردرگیر. شماری از افراد درگیری در کار را به اشتباه به مشارکت واقعی تعبیر می‌کنند. اینان در حرکت‌های کالبدی مشارکت وارد می‌شوند و نه در چیز دیگر.

ب) پذیرش مسئولیت: مشارکت باعث می‌شود افراد مسئولیت‌پذیر شوند و برای سازمانی که به آن وابستگی احساس می‌کنند تلاش لازم و کافی از خود نشان دهند. اصولاً برای اینکه مردم احساس مسئولیت کنند و خود را در مقابل امور و کارها مسئول بدانند باید آنان را در کارها شریک کرد. به عبارت دیگر، مردم باید در کار به خوددرگیری برسند، آن‌گاه مشارکت به آنان یاری می‌دهد تا "فرد-شهروندی" مسئول باشند و نه کارپردازی غیرمسئول با سرشت آدم‌واره‌ای (قلی‌زاده و امینی، ۱۳۸۱: ۱۰۵-۱۰۶).

بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن نوع شایستگی است که ما را قادر می‌سازد مراقب تلاش کاری خود باشیم و در جهت علائق دیگران و گروه‌هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه

نیازهای فردی، اهداف، و نگرانی‌های ما قرار دارند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی عامل اتصال و پیوند جوامع و گروه‌های اجتماعی است.^۱

چارچوب نظری: جهت بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، متغیرهای مستقل و زمینه‌ای از نظریه‌های یادگیری اجتماعی باندورا و نظریه نقش اجتماعی استخراج شد و با بهره‌گیری از نظریه‌های یادگیری اجتماعی و ویژگی‌های خانوادگی، تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی سنجیده شد. با استفاده از نظریه نقش اجتماعی نیز اثر نقش‌های جنسیتی بر تفاوت مسئولیت‌پذیری زنان و مردان تحت بررسی قرار گرفت. مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز به‌منزله عاملی که در بررسی‌های موجود به رابطه آن با مسئولیت اجتماعی اشاره شده بود به کار گرفته شد. براساس نظریه‌ها و تحقیقات مطرح‌شده، میزان مشارکت اجتماعی جوانان، میزان اعتماد اجتماعی، شیوه‌های فرزندپروری والدین، احساس عزت نفس، جنسیت، سن، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی و پایگاه اجتماعی با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنها رابطه معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. و آزمون‌های آماری مناسب و... قدم‌های اصلی برداشته شده است.

جامعه آماری بررسی حاضر شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ دانشگاه شهیدباهنر کرمان بوده‌اند. براساس آمارهای رسمی دانشگاه، تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل ۱۵۲۱۵ نفر بود (اداره کل آموزش دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۹۰). با استفاده از فرمول کوکران و با محاسبه ضریب خطای ۰/۰۵ از میان کل دانشجویان ۳۹۹ نفر انتخاب شدند. جهت انتخاب فرد نمونه در این تحقیق روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند و از نوع طبقه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که پس از شناسایی دانشکده‌های دانشگاه شهیدباهنر کرمان تعداد پاسخگویان در هر دانشکده متناسب با تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در آن دانشکده محاسبه و افراد مدنظر به روش تصادفی نظام‌مند با استفاده از چارچوب نمونه‌گیری (فهرست کل دانشجویان، کل دانشکده‌های تحت بررسی) انتخاب شده‌اند.

1. <http://abisun.ir/ContentManager/Content/View>

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

مسئولیت‌پذیری اجتماعی

براساس مقیاس کنراد و هایدن (۱۹۸۱)، شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چهار بعد گرایش به مسئول‌بودن (شامل دو خرده‌مقیاس رفاه اجتماعی و وظیفه)، شایستگی برای مسئولیت‌پذیری، اثربخشی مسئولیت‌پذیری، و اجرای عمل مسئولانه سنجیده شد. این شاخص در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شده که دامنه نمره طیف بین ۱۴ تا ۷۰ است. رفاه اجتماعی: این شاخص بر میزان نگرانی‌ای دلالت می‌کند که شخص درباره مشکلات و مسائل جامعه گسترده احساس می‌کند.

وظیفه: این شاخص بر میزان تقید شخص به انجام التزامات اجتماعی تمرکز می‌کند. شایستگی: شاخص شایستگی به این معنی است که فردی که احساس مسئولیت می‌کند صلاحیت و مهارت لازم برای انجام آن فعالیت را داشته باشد. اثربخشی: این شاخص یعنی فرد باید مایل یا قادر باشد باور کند که انجام عمل مسئولانه بر محیط اجتماعی و فیزیکی اثر می‌گذارد.

عمل مسئولانه: این شاخص میزان عمل مسئولانه فرد را می‌سنجد.

احساس عزت نفس

گانسون^۱ (۱۹۹۷) عزت نفس را «درجه‌ای از بها، ارزش، احترام و عشقی که فرد ممکن است برای خود به‌منزله انسان در دنیا قائل باشد» تعریف کرده است (سال میوالی، ۲۰۱۰: ۳۷۶).

شیوه‌های فرزندپروری

شیوه‌های فرزندپروری با شانزده‌گویه سنجیده شد. بدین‌صورت که برای هر یک از چهار شیوه منسجم، صمیمی و پاسخگو، شیوه سهل‌گیر و بی‌اعتنا، شیوه استبدادی و شیوه طردکننده، چهار گویه طرح شد.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی منبعی جهت "کنش جمعی" تلقی می‌شود. این منبع علاوه بر آگاهی از امور اجتماعی-سیاسی (شناخت)، یعنی آگاهی‌ای که علاقه‌مندی و دل‌نگرانی به دنبال دارد، شامل هنجارهای اعتماد (اعتماد عمومی یا تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی/مدنی)، هنجارها یا رفتارهای

1. Gohnson

معامله متقابل (هم‌پاری)، که در درون شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند، و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی است (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۶۴). در این تحقیق مشارکت اجتماعی در دو سطح غیررسمی و رسمی سنجیده شد و برای مؤلفه اعتماد اجتماعی، سه نوع اعتماد بین‌شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی بررسی شد.

اعتبار^۱ و پایایی^۲ گویه‌ها

بررسی اعتبار سؤالات از طریق روش اعتبار سازه و اعتبار صوری انجام گرفت و به منظور آزمون آن، ابتدا متخصصان علوم اجتماعی پرسش‌نامه تعیین‌شده را بررسی و داوری کردند و پس از ارائه نظر تکمیلی برخی سؤالات حذف، اضافه یا تصحیح شدند. در نهایت سؤالاتی که از هر جهت قابلیت سنجش موضوع را داشتند انتخاب شدند.

به‌منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق، نمونه‌ای ۵۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان پرسش‌نامه را تکمیل کردند (مرحله آزمون مقدماتی). با استفاده از روش توافق داخلی^۳ و آزمون آلفای کرونباخ^۴ پایایی سؤالات پرسش‌نامه به شرح زیر سنجیده شد:

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه (سؤالات)	ضریب آلفا
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۴	۰,۹۳
احساس عزت نفس	۶	۰,۸۹
شیوه‌های فرزندپروری	۱۶	۰,۹۷
سرمایه اجتماعی	۴۰	۰,۹۶

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرها

در مطالعه حاضر ۶۶,۱ درصد از پاسخگویان زن و ۳۳,۹ درصد مرد بوده‌اند که میانگین سن آنها ۲۲,۳۸ با حداقل ۱۸ و حداکثر ۳۰ سال بود. از نظر وضعیت تأهل ۸۳,۷ درصد دانشجویان مجرد و

1. Validity
2. Reability
3. Internal consistency
4. Cronbach coefficient

۱۶,۳ درصد متأهل بودند. از نظر مقطع تحصیلی ۲ درصد دانشجوی کاردانی، ۷۴,۵ درصد دانشجوی کارشناسی، ۱۹,۶ درصد دانشجوی کارشناسی‌ارشد و ۳,۵ درصد دانشجوی دکتری بودند. از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ۷۹ درصد (اکثراً) خود را متعلق به پایگاه متوسط دانسته‌اند. میانگین میزان احساس عزت نفس ۲۲,۰۸ به دست آمده که در مقایسه با دامنه نمره‌ها می‌توان گفت در مجموع میزان احساس عزت نفس دانشجویان زیاد است.

میانگین شیوه فرزندپروری منسجم، صمیمی و پاسخگو برابر با ۶,۴۵، شیوه سهل‌گیر و بی‌اعتنا ۸,۲۴، شیوه استبدادی ۷,۴۸ و شیوه طردکننده ۷,۲۶ است. حداقل نمره در هر یک از این شیوه‌ها ۴ و حداکثر ۲۰ بوده است. در جمع‌بندی نهایی، اعمال شیوه منسجم در حد بالا و شیوه‌های سهل‌گیر، استبدادی و طردکننده در سطح پایین ارزیابی شده است.

در بررسی میزان سرمایه اجتماعی اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین مشارکت اجتماعی برابر ۳۵,۷۸ و میانگین اعتماد اجتماعی ۷۰,۵۷ است. با مقایسه نمره‌ها ملاحظه می‌شود که سرمایه اجتماعی پاسخگویان در سطح متوسط است، در حالی که مشارکت اجتماعی آنان در سطح پایین و اعتماد اجتماعی‌شان نیز متوسط است.

جدول ۲. توصیف متغیرهای مستقل

متغیر	تعداد	میانگین	حداقل	حداکثر
احساس عزت نفس	۴۰۴	۲۲,۰۸	۶	۳۰
شیوه منسجم	۴۰۴	۱۶,۴۵	۴	۲۰
شیوه سهل‌گیر	۴۰۴	۸,۲۴	۴	۲۰
شیوه استبدادی	۴۰۴	۷,۴۸	۴	۲۰
شیوه طردکننده	۴۰۴	۷,۲۶	۴	۲۰
سرمایه اجتماعی	۴۰۴	۱۰۶,۳۴	۴۰	۲۰۰
مشارکت اجتماعی	۴۰۴	۳۵,۷۸	۱۵	۷۵
اعتماد اجتماعی	۴۰۴	۷۰,۵۷	۲۵	۱۲۵

بررسی اعتماد بین‌شخصی جوانان دانشجو نشان داد در بالاترین سطح اعضای خانواده (۶۳ درصد) قرار دارد. در اعتماد تعمیم‌یافته ۶/۲ درصد به افراد غریبه خیلی زیاد اعتماد می‌کنند. ۶/۷ درصد فکر می‌کنند مردم در حد زیاد یار و یاور یکدیگرند و ۶/۴ درصد مردم را دارای انصاف زیاد می‌دانند. ۶/۹ درصد معتقدند مردم در حد زیاد با یکدیگر کنار می‌آیند. بنابراین ۷۴ درصد دانشجویان اعتماد تعمیم‌یافته‌ای در حد کم دارند و بررسی اعتماد نهادی آنها نیز نشان می‌دهد بالاترین اعتماد را به معلمان (۳/۵) و سپس استادان دانشگاه (۳/۴۲) و سپس پزشکان (۳/۳۸)،

پلیس (۳/۳۲)، کارگران (۲/۸۹)، ارتشی‌ها (۲/۹۶)، و روحانیان (۲/۸۵) دارند و کمترین میزان اعتماد نیز به بنگاه‌داران مسکن و ماشین، تاجران و بازاریان، روزنامه‌نگاران، رانندگان تاکسی و... تعلق می‌گیرد.

بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌منزله متغیر وابسته نشان داد که بیشتر دانشجویان پاسخگو دوست دارند برای حل مشکلات اجتماع کاری انجام دهند (۸۰ درصد)؛ حاضرند به همه افراد نیازمند کمک کنند، حتی اگر آنها را نشناسند (۶۳ درصد)؛ اگر در انجام کاری که به آنها محول شده است کم‌وکاستی پیش بیاید آن را بیان می‌کنند (۷۲/۵ درصد)؛ ۴۷ درصد فکر می‌کنند توانایی حل مشکلات جامعه مانند فقر را دارند؛ ۷۰ درصد جهت کمک به هم‌کلاسی‌هایشان اعلام آمادگی کردند؛ حدود ۷۰ درصد کمک به دیگران را برای خود قوت می‌بینند؛ اما حدود ۴۲ درصد معتقدند تلاش‌هایشان برای حل مشکلات جامعه بی‌فایده است، زیرا همه چیز در دست تعدادی از صاحب‌منصبان است؛ درعین حال حدود ۷۴ درصد از این پاسخگویان کمک برای رفع بی‌عدالتی و ظلم را در جامعه و برای خود ارزشمند می‌دانند؛ ۸۰ درصد حاضرند تا جایی که بتوانند به افراد نیازمند مثل فقرا کمک کنند؛ درحالی که ۴۷ درصد این توانایی را عملی می‌بینند. در بعد انجام وظایف ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان در جایگاه شهروند مقداری از وقتشان را به حل مسائل جامعه اختصاص می‌دهند؛ ۲۴/۷ درصد نیز معتقدند آن‌قدر خودشان مشکل دارند که فرصتی برای کمک به دیگران پیدا نمی‌کنند.

جدول ۳. توصیف متغیر وابسته

جمع کل		زیاد		متوسط		کم		مسئولیت‌پذیری اجتماعی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۴۰۴	۶۳/۱	۲۵۵	۲۸	۱۱۳	۸/۹	۳۶	میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۱۰۰	۴۰۴	۶۲/۶	۲۵۳	۲۷	۱۰۹	۱۰/۴	۴۲	میزان توجه به رفاه اجتماعی
۱۰۰	۴۰۴	۶۷/۸	۲۷۴	۲۲/۸	۹۲	۹/۴	۳۸	میزان احساس وظیفه
۱۰۰	۴۰۴	۲۶	۱۰۵	۶۲/۴	۲۵۲	۱۱/۶	۴۷	میزان احساس شایستگی
۱۰۰	۴۰۴	۳۸/۴	۱۵۵	۴۷	۱۹۰	۱۴/۶	۵۹	میزان احساس اثرگذاری
۱۰۰	۴۰۴	۱۸/۳	۷۴	۶۸/۸	۲۷۸	۱۲/۶	۵۱	میزان عمل مسئولانه

تبیین یافته‌ها

رابطه جنسیت و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی

میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی بین زنان ۵۲,۱۶ و بین مردان ۴۸,۲۸ است که با سطح معنی‌داری ۲ درصد میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی بین دو جنس تفاوت معناداری دارد و در مجموع می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری اجتماعی زنان اندکی بیشتر از مردان است.

جدول ۴. رابطه جنسیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

سطح معنی‌داری	میانگین	تعداد	جنسیت	جنسیت
				مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۰۰۲۰	۵۲,۱۶	۲۶۷	زن	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
	۴۸,۲۸	۱۳۷	مرد	

رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی

میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین پاسخگویان طبقه پایین ۴۵,۵۲، طبقه متوسط ۵۱,۵۲ و طبقه بالا ۵۱,۲۴ است. بنابراین اختلاف مسئولیت‌پذیری اجتماعی براساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی معنادار است و بیشترین مسئولیت‌پذیری اجتماعی در طبقه متوسط دیده می‌شود.

جدول ۵. آزمون معناداری تفاوت میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی برحسب پایگاه اقتصادی اجتماعی

سطح معنی‌داری	آزمون اف	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰,۰۱۴	۴,۲۹۴	۶۹۸,۱۶۷	۲	۱۳۹۶,۳۳۴	بین گروهی
		۱۶۲,۶۰۳	۳۹۷	۶۴۵۵۳,۴۴۳	درون گروهی
			۳۹۹	۶۵۹۴۹,۷۷۸	کل

احساس عزت نفس و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی

نتایج نشان می‌دهد رابطه معناداری بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احساس عزت نفس وجود دارد؛ به طوری که با افزایش احساس عزت نفس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۶. همبستگی احساس عزت نفس با مسئولیت‌پذیری اجتماعی

سطح معنی‌داری	مقدار	احساس عزت
		مسئولیت‌پذیری
۰,۰۰۰	۰,۷۷۹	پیرسون
۴۰۴		جمع کل

شیوه‌های فرزندپروری و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی

براساس نتایج ضریب همبستگی پیرسون، میان متغیر شیوه منسجم، صمیمی و پاسخگو با مسئولیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش اعمال شیوه فرزندپروری منسجم، صمیمی و پاسخگو از سوی والدین، مسئولیت‌پذیری فرزندان جوان آنها افزایش می‌یابد.

جدول ۷. همبستگی شیوه‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	مقدار	سطح معنی‌داری
شیوه منسجم، صمیمی و پاسخگو	پیرسون	۰,۱۲۴	۰,۰۱۲
شیوه سهل‌گیر و بی‌اعتنا	پیرسون	۰,۰۳۵	۰,۴۸۳
شیوه استبدادی	پیرسون	۰,۰۱۵	۰,۷۶۴
شیوه طردکننده	پیرسون	۰,۰۳۴	۰,۴۹۲
جمع کل		۴۰۴	

سرمایه اجتماعی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی

نتایج جدول ۸ وجود همبستگی میان میزان سرمایه اجتماعی و میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نشان می‌دهد. گفتنی است که این ارتباط معنادار در هر دو بعد سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأیید می‌شود.

جدول ۸. همبستگی سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با مسئولیت‌پذیری اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	مقدار	سطح معنی‌داری
مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰,۲۶۰	۰,۰۰۰
اعتماد اجتماعی	پیرسون	۰,۳۹۰	۰,۰۰۰
جمع کل		۴۰۴	

محاسبه رگرسیون خطی چندمتغیره برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی

براساس آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره به روش استپ وایز^۱ و مطابق جدول ۹ در تبیین میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق مجموع متغیرهای مستقل موجود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R = ۰,۷۹۷$ و ضریب تبیین معادله برابر $R^2 = ۰,۶۳۵$ به دست آمده است که

1. Stepwise

نشان می‌دهد ۰,۶۳۵ درصد تغییرات مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی را این متغیرهای مستقل تبیین می‌کنند. در این بین، براساس ضرایب بتای استاندارد شده متغیر احساس عزت نفس دارای بالاترین ضریب بتا (۰,۷۰۶) است و دومین متغیر اعتماد اجتماعی نهادی با ضریب بتا (۰,۱۶۸) است. مشارکت رسمی با بتا (۰,۱۳۹) و مشارکت غیررسمی با بتای (۰,۱۰۷) متغیرهای بعدی تأثیر گذار بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی پاسخگویان است.

جدول ۹. سطح معناداری معادله رگرسیون خطی چندمتغیره

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون اف	سطح معناداری
رگرسیون	۴۱۹۷۹,۸۹۵	۴	۱۰۴۹۴,۹۷۴	۱۷۳,۸۲۷	۰,۰۰۰
خطا	۲۴۰۸۹,۹۶۷	۳۹۹	۶۰,۳۷۶		
جمع	۶۶۰۶۹,۸۶۱	۴۰۳			

ادامه جدول ۹. ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان

متغیر مستقل	بی	خطای استاندارد	بتا	مقدار تی	معنی‌داری
احساس عزت نفس	۱,۴۸۳	۰,۰۶۷	۰,۷۰۶	۲۱,۴۲۶	۰,۰۰۰
اعتماد نهادی	۰,۱۵۰	۰,۰۴۰	۰,۱۶۸	۳,۷۹۲	۰,۰۰۰
مشارکت رسمی	-۰,۲۵۳	۰,۰۸۰	-۰,۱۳۹	-۳,۱۵۲	۰,۰۰۲
مشارکت غیررسمی	۰,۱۸۵	۰,۰۸۳	۰,۱۰۷	۲,۲۲۱	۰,۰۲۷

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بیشتر دانشجویان (۶۲,۶٪) توجه زیادی به رفاه اجتماعی داشتند و غالباً (۶۷,۸٪) نیز احساس وظیفه زیادی در قبال اجتماع نشان می‌دهند. از سوی دیگر، نمره بیشتر جوانان در میزان احساس شایستگی ۲۶٪، احساس اثرگذاری ۳۸,۴٪، و عمل مسئولانه ۱۸,۳٪ به دست آمده است. در اینجا بررسی شاخص‌ها دقت زیادی می‌طلبد، زیرا در ابعاد مختلف بیشتر پاسخگویان مدعی‌اند که مسئولیت‌پذیری مفید و مناسب است و حتی در خود تعهد و احساس وظیفه زیادی اعلام کرده‌اند، ولی در بعد عملی ضعف دارند و فکر می‌کنند با وجود آنکه بهتر است کمک کنند، کاری اساسی از دستشان بر نمی‌آید.

مقایسه شیوه‌های فرزندپروری در میان پاسخگویان تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در خانواده‌های بیشتر پاسخگویان شیوه فرزندپروری منسجم، صمیمی و پاسخگو رواج بیشتری

نسبت به دیگر شیوه‌ها دارد و خانواده‌های کمی فرزندان خود را با شیوه‌های سهل‌گیر، مستبد یا طردکننده تربیت کرده‌اند.

والدین طردکننده نیز فرزندان را از خود دور می‌کنند و مسئولیت‌های اندکی به آنها می‌سپارند، زیرا آنها را موجوداتی ضعیف و ناتوان می‌شمارند. بدین ترتیب فرزندان این خانواده‌ها از کودکی مسئولیت‌پذیری را نمی‌آموزند و در بزرگسالی نیز در اجتماع آن را به کار نمی‌بندند. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که خانواده به‌عنوان عاملی محیطی در نظریه شناختی-اجتماعی باندورا اهمیت دارد. در فرآیند یادگیری، کودکان از الگوهای رفتاری که خانواده در برابر آنها قرار می‌دهد، هنجارهای مناسب اجتماعی را می‌آموزند و به کار می‌بندند. بنابراین اگر والدین در برابر آنها رفتاری شایسته انجام دهند، کودکان نیز آن رفتار را تقلید و درونی می‌کنند. بنابراین لازم نیست والدین یا مربیان مستقیم به کودک بگویند که مسئولیت‌پذیری خوب است یا درباره مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی سخنرانی کنند، بلکه یکی از بهترین راه‌های آموزش مسئولیت‌پذیری درونی‌سازی آن با شیوه‌های تربیتی مناسب از سوی والدین و بزرگ‌ترهاست.

در مجموع می‌توان گفت کاربرد شیوه منسجم، صمیمی و پاسخگو نسبت به دیگر شیوه‌های فرزندپروری بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرزندان اثر بیشتری دارد.

در این تحقیق عزت نفس از جمله عوامل مرتبط با ویژگی‌های شخصی یادگیرنده قلمداد شده است. براساس یافته‌ها نیز مشخص شد هم‌بستگی مثبتی و زیادی بین عزت نفس و مسئولیت‌پذیری وجود دارد، به‌گونه‌ای که افراد با عزت نفس بالا به توانایی‌های خود اطمینان دارند و از قبول مسئولیت نمی‌هراسند. اگر در این میان با شکست یا ناکامی هم مواجه شوند، خود را مسئول می‌دانند و از متهم کردن دیگران یا نسبت‌دادن شکست به عواملی چون تصادف، بخت و اقبال و... دوری می‌کنند. در این زمینه نتایج پژوهش ایمان و جلائیان (۱۳۸۹) رابطه معناداری را بین عزت نفس با مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد (ایمان و جلائیان، ۱۳۸۹: ۳۴). ارتباط عزت نفس با مسئولیت‌پذیری در بررسی ابراهیمی‌نژاد و سلیمانیان (۱۳۸۶) هم به اثبات رسیده است. به نظر آنان عزت نفس و مسئولیت‌پذیری ریشه یکسانی در قدرت اندیشیدن انسان دارند. فرد مسئول ترجیح می‌دهد خود تصمیم بگیرد و در جریان آن، تمام کوشش، دانش، مهارت و سرمایه خود را نیز به کار گیرد (ابراهیمی‌نژاد و سلیمانیان، ۱۳۸۶: ۴۷). نتایج پژوهش کردلو (۱۳۸۷) نیز نشان می‌دهد لازمه مسئولیت‌پذیری تأمین احساس تعلق، احساس امنیت و احساس عزت نفس است. وجود رابطه بین مسئولیت‌پذیری با عزت نفس در

پژوهش‌های خدروی (۱۳۸۰)، رنجبریان و همکاران (۱۳۸۴)، و اکبری‌نژاد (۱۳۸۷) نیز تأیید شده است.

براساس نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، زندگی در ساختار جامعه جدید و مدرن مستلزم عضویت و همکاری در شبکه‌های اجتماعی است که از افراد و گروه‌هایی با سلیقه‌های گوناگون تشکیل شده است. شخص باید از منافع شخصی و تشکل‌های خویشاوندی و قومی خود فراتر برود و با دیدی وسیع‌تر تمام افراد جامعه را به‌منزله هم‌نوع بپذیرد و به آنها اعتماد داشته باشد. برای انجام فعالیت‌های عمومی و خیر جمعی تلاش کند و تعهد داشته باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی به‌طور کلی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبتی برقرار است. همچنین مشخص شد میزان مشارکت اجتماعی کلی بیشتر جوانان دانشجوی (۵۷,۲٪) در سطح پایینی قرار دارد. میزان مشارکت غیررسمی اکثر آنها (۵۰,۵٪) نیز در سطح متوسط است، اما مشارکت اجتماعی رسمی غالب دانشجویان (۷۷,۷٪) پایین است. ازسوی دیگر، اعتماد اجتماعی کلی در بیشتر پاسخگویان (۶۷,۸٪) در حد متوسط قرار دارد. از میان ابعاد اعتماد اجتماعی، میزان اعتماد بین‌شخصی و نهادی در سطح متوسط است، اما غالب پاسخگویان اعتماد تعمیم‌یافته اندکی دارند. می‌توان گفت این مسئله مؤید ریشه‌های سنتی سرمایه اجتماعی در میان پاسخگویان است.

براساس نظریه نقش اجتماعی، رفتار کمک‌دهی نقش جنسیتی مرد و زن تفاوت دارد؛ مثلاً از آنجاکه زنان مهربان‌تر و دلسوزترند، احتمالاً بیشتر به دیگران یاری می‌رسانند و مسئولیت اجتماعی تقبل می‌کنند. تأثیر متغیر جنسیت و تفاوت رفتار کمکی و مسئولیت‌پذیری زنان و مردان در این تحقیق تحت بررسی قرار گرفت. درباب رابطه بین جنسیت و مسئولیت اجتماعی باید گفت این رابطه در تحقیقات بسیاری سنجیده شده و نتایج متنوعی به دست آمده است. یافته‌های پژوهش راندولف و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی تحت تأثیر جنسیت افراد قرار می‌گیرد؛ بدین‌گونه که مسئولیت‌پذیری مردان اندکی کمتر از زنان است. در تحقیق هدایتی و همکاران (۱۳۸۷) تفاوت معناداری میان نظر آزمودنی‌های دختر و پسر دیده نشد. نتایج این پژوهش در میان جوانان دانشجویان نشان‌دهنده این نکته است که مسئولیت‌پذیری دختران کمی بیش‌از پسران است. این نتیجه با ادعای برکویتز درباره تمایزها و شباهت‌های جنسیتی در زمینه ایثار و امداد درخور بررسی است. برکویتز معتقد است زنان از روحیه امدادرسانی و ایثارگری بیشتری برخوردارند، اما تفاوت چشمگیری با مردان ندارند (فرجاد و محمدی‌اصل، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

یافته‌ها نشان می‌دهد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان پاسخگویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط بیشتر از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین است.

رابطه‌ای که بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این تحقیق مشاهده شد با نتایج خدري (۱۳۸۰)، برکویتز (۱۹۶۸) و شویت و دیگران (۲۰۰۵) مشابهت دارد. براساس تحقیق خدري پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری تأثیر می‌گذارد. به نظر برکویتز (براساس تحقیق ویسکانسین) دانشجویان طبقه متوسط و بالا بیشتر براساس هنجار مسئولیت اجتماعی پاسخ می‌دهند و دانشجویان طبقه پایین اغلب براساس هنجار مقابله‌به‌مثل عمل می‌کنند.

طبق مدل رگرسیونی مشخص شد که احساس عزت نفس، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی و غیررسمی در مجموع بیشترین تأثیر هم‌زمان را بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند. این شاید به این علت باشد که نهاد خانواده تأثیر مهمی بر آموزش هنجارهای مناسب اجتماعی به فرزندان دارد. طی دوران جامعه‌پذیری عوامل متعددی بر قبول مسئولیت در اجتماع یا نپذیرفتن آن در میان جوانان تأثیرگذارند که می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی نیز مانند احساس عزت نفس و مؤلفه‌هایی مثل اعتماد به دیگر مردمی که لزوماً خویشاوند نیستند و مشارکت در فعالیت‌های رسمی و غیررسمی اشاره کرد. در پایان، به دلیل اهمیت یافته‌های به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود، از آنجاکه میزان مشارکت رسمی اغلب دانشجویان در سطح پایینی قرار دارد، لازم است توجه جوانان به فعالیت‌ها و خدمات داوطلبانه اجتماعی جلب شود. از جمله اینکه فضاسازی مناسب برای مشارکت فعالانه در سازمان‌های مردم‌نهاد ایجاد شود. این فضاسازی ابتدا از دوران کودکی در خانواده شروع می‌شود و در محیط‌های آموزشی پی‌گرفته می‌شود. برای تقویت میزان اعتماد اجتماعی عام و تعمیم‌یافته لازم است ضمن حفظ ارتباطات خویشاوندی به گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اقدام شود. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در تحقیقات گوناگون از آن غفلت شده و در مقاله حاضر نیز به دلیل گستردگی موضوع تحت بررسی قرار نگرفته است، بحث تأثیر رسانه‌های جمعی بر مسئولیت‌پذیری جوانان است. امروزه توجه به این بحث به دلیل شیوع استفاده از این نوع رسانه‌ها در میان جوانان حائز اهمیت است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: سروش.
- اکبری نژاد، ایراندخت (۱۳۸۷) بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر سال دوم متوسطه شهرستان کهگلویه (دهدشت)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان.
- امیرپناهی، محمد و غلامرضا غفاری (۱۳۸۸) "چگونگی شکل‌گیری شهر شهروندمدار: بررسی نقش مشارکت در نهادهای آموزشی و تأثیر آن بر تکوین مشارکت مدنی در بزرگسالی"، *دوفصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۲۴: ۱۷-۲۶.
- ایمان، محمدتقی و وجیهه جلائیان بخشنده (۱۳۸۹) "بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پیاپی ۳۷، شماره اول: ۱۹-۴۲.
- برکوویتز، لئونارد (۱۳۸۳) *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی‌اصل، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- بهنوی، لادن (۱۳۸۶) "مشارکت و مسئولیت‌پذیری در پرتو فعالیت‌های غیررسمی"، *رشد معلم*، شماره ۲۰۹: ۴۵-۴۷.
- بیرهوف، هانس ورنر (۱۳۸۴)، *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی*، ترجمه رضوان صدقی نژاد، تهران: گل آذین
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- خدیری، زهرا (۱۳۸۰) بررسی رابطه‌ی هوش، عزت نفس و وضعیت اقتصادی - اجتماعی با مسئولیت‌پذیری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- خواجه‌پور، مهناز و حمیدرضا عطار (۱۳۸۶) "مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های هویتی و بررسی رابطه آنها در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز"، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، شماره ۸ (۱): ۱۷۸-۱۹۷.
- رنجبریان، رسول و نعمت‌الله موسی‌پور و محمد قزل‌ایاق (۱۳۸۴) "رابطه بین عزت نفس و نیاز به کسب موفقیت کارکنان سازمان‌های دولتی"، *مجلات مدیریت - مطالعات مدیریت*، شماره ۴۸: صفحات ۸۵ تا ۱۰۲.
- سبحان‌نژاد، مهدی (۱۳۷۹) *مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه‌دستی کنونی دوره ابتدایی ایران و طراحی برای آینده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سبحانی‌جو، حیات‌علی (۱۳۸۴) "خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی"، *مجله پیوند*، شماره ۳۱۵: ۲۲-۳۵.

- سفیری، مریم و خدیجه صادقی (۱۳۸۸) "مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۴)، شماره ۲: ۱-۳۴.
- شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۷۶) "بررسی نقش چند عامل در فرآیند رشد اجتماعی کودکان (جامعه‌پذیری)"، *تربیت*، شماره ۱۱۸: ۵۹-۶۳.
- شکوری، علی (۱۳۸۴) «رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آنها»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸: ۱-۲۶.
- قلی‌زاده، آذر و اعظم امینی (۱۳۸۱) "بررسی رابطه مشارکت دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های خمینی‌شهر در فعالیت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و رشد اجتماعی آنها در سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰"، *مجله دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)*، شماره ۱۳ و ۱۴: ۱۰۳-۱۲۰.
- کجباف، محمدباقر و ایلناز سجادیان و ابوالقاسم نوری (۱۳۸۹) "بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان"، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال سوم، شماره پیاپی ۳۸، شماره ۲: ۱۰۱-۱۱۸.
- کردلو، منیره (۱۳۸۷) «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه»، *رشد مشاور مدرسه*، شماره ۱۳: ۴-۱۱.
- ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۷۴) *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسائی، چاپ نهم، تهران: کتاب ماد، وابسته به نشر مرکز.
- محمدی، یحیی (۱۳۸۷) تأثیر وضعیت سبک‌های رفتاری خانواده‌های بیرجندی بر اعتمادبه‌نفس فرزندان آنها در دوره متوسطه در سال تحصیلی ۸۶-۸۷، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
- مهدوی، اسماعیل، میرصلاح‌الدین عنایتی و عبدالکاظم نیسی (۱۳۸۷) "بررسی اثربخشی آموزش مسئولیت‌پذیری بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه"، *فصلنامه یافته‌های نو در روان‌شناسی*: شماره ۹، سال ۱۳۸۷، دوره ۳: ۱۱۵-۱۲۹.
- هدایتی، بنت‌الهدی و همکاران (۱۳۸۷) "شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت نوجوانان"، *ماهنامه معرفت* سال هفدهم، شماره ۱۳۰: ۶۳-۷۱.
- یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۲) بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی (درمیان شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن مناطق ۲۲گانه تهران)، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- یونیس، جیمز، جفری مک‌للان و میراندا تیس (۱۳۸۱) "هویت مدنی"، ترجمه محمدرضا حسن‌زاده، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره‌های ۲۰ و ۲۱: ۲۸-۳۵.
- Maliki, A. E., E. S. Asain & J. Kebbi (2010), "Background variables, social responsibility and academic achievement among secondary school students in Bayelsa state of Nigeria", *Study home comm Sci*, 4(1): 27-32.

- Amato, P.R. & Saunders, (1985), "The perceived dimensions of help-seeking episodes", *Social psychology quarterly*, 48: 130-138.
- Batson, C. D., Bolen, M. H., Cross, J. A., and Neuringer-Benefiel, H. E. (1986), "Where is the altruism in the altruistic personality?" *Journal of Personality and Social Psychology*, 50: 212-220.
- Berkowitz, L. (1968), "Responsibility, reciprocity and social distance in help-giving: an experimental investigation of English social class differences", *Journal of experimental social psychology*, 4: (46-63)
- Berkowitz, L.; and Connor, W. (1996), "Success, Failure, And Social Responsibility", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol 4(6), 1966: 664-669.
- Berkowitz, L.; and Daniels, L. R. (1963), "Responsibility and dependency", *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, Vol 66(5), 1963: 429-436.
- Berkowitz, L.; and Daniels, L. R. (1964), "Affecting the salience of the social responsibility norm: effects of past help on the response to dependency relationships" *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, Vol 68(3): 275-281
- Carlo, G., Eisenberg, N., and Knight, G. P. (1992), "An objective measure of adolescents' prosocial moral reasoning", *Journal of Res. Adolesc*, 2: 331-349.
- Coles. R. (1996), "Remember duty to others in Teaching Responsibility", *Curriculum review*: p.7
- Conrad, D. and Hedin, D. (1981), "Instruments and scoring guide of the experiential education evaluation project". Center for youth development and research, university of Minnesota
- Eagly, A. H and Crowley, M. (1986), "Gender and Helping Behavior: A Meta-Analytic Review of the Social Psychological Literature", *Psychological Bulletin*, No. 3: 283-308
- Fink , E. L., Rey , L. D., Johanson , K. W., Spener , K. I., Morton , D. R . and Flores, E. T. (1975), "The effects of family occupational type, sex and appeal style on helping behaviour", *Journal of experimental social psychology*, 11.
- Goranson, Richard E.; Berkowitz, Leonard (1966), "Reciprocity and responsibility reactions to prior help, "Journal of Personality and Social Psychology, Vol 3(2): 227-232.
- Helly, D. (2001), "Voluntary and social participation by people of immigrant origin: overview of Canadian research", Second national metropolis conference, Immigrant and civic participation: contemporary policy and research issues, Montreal, November.

- McClure, A.C, Tanski S. E, Kingsbury, J, Gerrard, M, and Sargent, J. D, (2010), "Characteristics associated with low self-esteem among US adolescents", *Academic pediatrics*, Vol. 10 (4): 238–244.
- Nakamura, M. & Watanabe-Muraoka, A. M. (2006),"Global social Responsibility: developing a scale for senior high school students in Japan", *International journal for the advancement of counselling*, Vol. 28, No. 3: 213-226
- Randolph, S. W. (2008), "The Role of Altruistic Behavior, Empathetic and social Responsibility Motivation in Blood Donation Behavior", *Transfusion*, Vol. 48: 43- 54.
- Schroeder, D.A., Penner, L.A., Dovidio, J.F., & Piliavin, J.A. (1995), " The social psychology of helping and altruism", New York: McGraw-Hill.
- Schuyt ,T. & Smit, j. & Bekkers, R. (2005), "Constructing a Philanthropy-scale: Social Responsibility and Philanthropy"
- Schwartz, S. H., and Howard, J. A. (1984), "Internalized values as motivators of altruism", Pp. 229-255 In Staub, E., Bar-Tal, D., Karylowski, J., and Reykowski, J. (eds.), *The Development and Maintenance of Prosocial Behavior: International Perspectives on Positive Development*. New York: Plenum.
- Weiner, B. (2001), "An attributional approach to perceived responsibility for transgressions: Extentions to child abuse, punishment goals and political ideology", Pp. 49-59 In A.E. Auhagen & H. W Bierhoff (eds.), *Responsibility- the many faces of social phenomenon*, London: Routledge.
- Zokaei, S. (1999), *Altruism and Citizenship*, Ph.D. Thesis, University of Sheffield, UK.
- <http://plato.stanford.edu/entries/altruism-biological>
<http://abisun.ir/ContentManager/Content/View>